

سایت فمینیستی راه کارگر ، به مناسبت 8 مارس روز جهانی زن و با توجه به اهمیت جنبش زنان ، نظر برخی از فعالان سیاسی را در این مورد جویا شد.

سؤال:

نگاه شما به جایگاه جنبش زنان در ایران و رابطه آن با جنبش های اجتماعی دیگر چیست ؟

مسعود فتحی



سوال شما در واقع دو بخش دارد که من سعی می کنم به اختصار پاسخ دهم.

جایگاه جنبش زنان در ایران: جنبش زنان یکی از مهم ترین ارکان جنبش مدنی در ایران طول سی و دو سال گذشته بوده است. یک از مهم ترین عرصه مبارزات آزادیخواهانه سال های اخیر در مبارزات مداومی است که جنبش زنان و دیگر جنبش های اجتماعی در طول سه دهه گذشته در اعماق جامعه سازمان داده اند، حاصل مقاومتی است که این مبارزات را در مقابل یورش های یکی از خشن ترین حکومت های تاریخ کشور ما آبدیده کرده است.

زنان اولین نیروی اجتماعی بودند که به طرز خشنی بعد از استقرار جمهوری اسلامی مورد هجوم قرار گرفتند. شورای انقلاب جمهوری اسلامی اولین قانونی را که لغو کرد، قانون خانواده بود که در آن در سایه فعالیت جنبش زنان، برخی از حقوق آنان به رسمیت شناخته شده بود؛ و اولین گروهی که از حقوق و آزادی های اجتماعی محروم شدند، زنان بودند. حضور آن ها در مشاغل مهمی مثل قضاوت ممنوع شد. رسماً از حق انتخاب پوشش محروم شدند، و با تصویب قوانین ارتجاعی قرون وسطائی، آزادی های دیگر را نیز از دست دادند مثل حق مسافرت، و به مایمک همسر و پدر و ... تنزل داده شدند.

این یک واقعیت است که جمهوری اسلامی نظام مبتنی بر تبعیض است، اما تبعیض علیه زنان مهم ترین مشخصه حکومت و مادر همه تبعیضات دیگر است. تبعیض بر اساس جنسیت جامعه را به دو نیم تقسیم می کند، نیمه دارای حقوق و نیمه مطیع و در بسیاری عرصه ها فاقد حقوق. اما رویه دیگر واقعیت این است که زنان کشور ما هم در مقابل حکومت جمهوری اسلامی کوتاه نیامدند. آن ها که در انقلاب بهمن نقش برجسته ای بازی کرده بودند، خیابان را ترک

نکردند و جنبش مقاومت در برابر بازگشت به قرون وسطی را از همان روز نخست پی ریختند. اولین تظاهرات بزرگ علیه حکومت را زنان شجاعی سازمان دادند که حاضر به پذیرش حجاب اجباری و گردن نهادن به تبعیضات جدید نبودند. اکنون سی دو سال است که این مقاومت ادامه دارد. امروز مبارزه مدنی زنان به یکی از ارکان جنبش تحول طلبی در جامعه ما تبدیل شده است. کمپین های متعدد علیه تبعیض، سنگسار و ... از جمله ره آوردهای این مسیر اند. زنانی که در هر گوشه ایران به خاطر جمع کردن امضا علیه قوانین تبعیض آمیز خطر بازداشت و زندان را به جان می خرند، و یا با هر تجمعی می دانند که بازداشت و زندانی می شوند، اما از تلاش باز نمی مانند. آن ها پیشروان شجاعت مدنی جامعه ما و سرمشق جوانانی هستند که امروز بدون ترس از دستگاه سرکوب عریض و طویل حکومت، هر گاه که اراده می کنند، فضای عمومی شهر ها را برای حکومت نا امن تر می سازند.

دستاوردهای مبارزه زنان علیه تبعیض و بی حقوقی حاکم بر جامعه و برای ایجاد جامعه ای عادلانه و برای برابر حقوقی، رهتوشه و اندوخته ای اجتماعی برای همه مبارزان راه آزادی در ایجاد جامعه ای برابر و منطبق با شان و منزلت انسانی است.

نیروی این جنبش، البته فقط به فعالان شناخته شده آن محدود نیست که با تهدید، بازداشت و زندانی و یا روانه ساختن آن ها به تبعید در خارج از کشور، حکومت بتواند خیال خود را از حضور جنبش زنان در مبارزات مدنی خلاص کند. امروز خواست برابر حقوقی، خواست آزادی های مدنی در کنار آزادی های سیاسی یک خواست اجتماعی در سطح کل جامعه است.

رابطه جنبش زنان با جنبش های دیگر: در وهله اول باید اذعان کرد که جنبش زنان با جنبش های دیگر به نحوی در هم تنیده است. باید توجه داشت که فعالان جنبش زنان علاوه بر زن بودن در کسوت کارگر، کارمند، دانشجو، استاد دانشگاه، نویسنده، متفکر، فعال سیاسی، مبارز حقوق بشر و ... در همه عرصه های فعالیت اجتماعی حضور دارند. با این حضور نقش منحصر به فردی ایفا می کنند. حداقل کاری که می کنند، همه این جنبش ها را نسبت به مسائل زنان در جامعه ما آگاه تر و کمابیش حساس تر می کنند و نیز دینامیسم متقابل این جنبش با جنبش های اجتماعی دیگر را تقویت کنند. حضور فعال جنبش زنان در عرصه جامعه، به نحوی که طی سال های اخیر شاهد آن بودیم خواست های این جنبش را در میان بخش های دیگر جامعه هم مطرح ساخته و تا حد خواست عمومی ارتقا بخشیده است. قبل از همه تاکید روشن بر مساله برابر حقوقی زن و مرد و رفع تبعیض علیه زنان، که مساله مرکزی جنبش زنان است، امروز برای فعالان جنبش های اجتماعی یک اصل مسلم و پذیرفته شده است.

جنبش های اجتماعی اجزاء جنبش دمکراتیک و آزادیخواهانه برای رسیدن به یک جامعه آزاد، عادلانه و انسانی هستند، تحقق این هدف در گرو همگامی و همسوئی این جنبش ها و تبدیل خواست هایشان به مطالبات برنامه ای و سیاسی برای تحولات آتی است. جنبش های اجتماعی و از جمله جنبش زنان ظرف طرح مطالبات نیروی اجتماعی معین، در جریان مبارزات روزمره برای بهبود

شرائط زندگی حتی در زیر مهمیز رژیم های دیکتاتوری است. تجربه خود جنبش زنان در کشور ما نشاندهنده اهمیت درک این واقعیت است. جنبش های اجتماعی در جریان مبارزه برای تغییر شرایط شکل می گیرند و بنا براین جزیره های جدا از هم نیستند. به نحوی به موازات هم و در بسیاری موارد بخشا با همپوشی موضعی همدیگر حرکت می کنند. موفقیت این جنبش ها در همبستگی با یکدیگر است. جنبش زنان در این عرصه می تواند حلقه اتصال جنبش های اجتماعی متفاوت در درون خویش باشد.

در پایان با تشکر از شما، اجازه می خواهم صدمین سالگرد روز جهانی زن را به همه تبریک بگویم و آرزوی موفقیت های بیشتر در مبارزه علیه خشونت و تبعیض علیه زنان برای همگان بکنم.

مسعود فتحی